

تحلیل تطبیقی تربیت شهروندی در سه کشور اسلامی بر اساس استانداردهای شورای ملی مطالعات اجتماعی (NCSS)

۱. غسان صاحب فالج الفالح: دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
۲. نگین جباری*: دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. (ایمیل: neginjabbary@gmail.com)
۳. جلال شنته جبر: دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد ذی قار، عراق
۴. محبوبه سادات فدوی: دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تحلیل تطبیقی تربیت شهروندی در سه کشور اسلامی ایران، عراق و اندونزی بر مبنای چارچوب استانداردهای شورای ملی مطالعات اجتماعی ایالات متحده (NCSS) است. این پژوهش با روش کیفی و از طریق تحلیل محتوای کتابهای مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه (پایه‌های هفتم تا نهم) در هر سه کشور انجام شده است. داده‌ها شامل متن، تصاویر، فعالیت‌ها و پرسش‌های پایان درس بودند که بر اساس ده مؤلفه کلیدی NCSS شامل فرهنگ، زمان و تداوم، نهادهای اجتماعی، روابط جهانی، ارزش‌های مدنی، تعامل با محیط، هویت فردی، علم و فناوری، اقتصاد و حکومت تحلیل شدند. نتایج نشان داد اندونزی با ۳۲۹ مورد کدگذاری، بیشترین پوشش مفهومی از مؤلفه‌های شهروندی را داشته، در حالی که ایران با ۱۶۳ مورد، پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده است. در ایران تمرکز بیشتر بر مؤلفه‌های دانشی و هویتی بوده، در حالی که در اندونزی محتوای مهارتی و نگرشی نیز به طور متوازن گنجانده شده است. عراق نیز با ۲۷۹ مورد در رتبه دوم قرار گرفته و بیشتر بر ساختارهای سنتی و نهادهای حکومتی تأکید داشته است. همچنین، تحلیل کیفی نشان داد اندونزی در آموزش مفاهیمی چون شهروندی جهانی، عدالت اجتماعی، مشارکت مدنی و حقوق بشر از رویکردی نوگرا بهره گرفته، در حالی که ایران و عراق همچنان در چارچوب‌های سنتی حرکت می‌کنند. در پایان، پیشنهادهایی برای بازنگری محتوای درسی، آموزش معلمان و توسعه برنامه‌های شهروندی در کشورهای اسلامی ارائه شده است. این مطالعه می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری و اصلاحات آموزشی در حوزه آموزش مدنی و اجتماعی در جوامع مسلمان باشد.

واژگان کلیدی: تربیت شهروندی، آموزش اجتماعی، NCSS، ایران، عراق، اندونزی.

مقدمه

در جهان متحول قرن بیست و یکم، که ویژگی آن سرعت تغییرات فرهنگی، اجتماعی و فناورانه است، تربیت شهروندی به عنوان یک وظیفه محوری برای نظام‌های آموزشی تلقی می‌شود. در بسیاری از کشورها، به‌ویژه جوامع اسلامی، ضرورت بازنگری در محتوای آموزشی با هدف پرورش شهروندانی فعال، مشارکت‌جو، متعهد و چندفرهنگی، بیش از پیش احساس می‌شود (Arthur & Hahn, 2008). مفهوم شهروندی دیگر صرفاً به تبعیت از قانون محدود نمی‌شود، بلکه شامل توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی، همدلی بین‌فرهنگی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، سواد رسانه‌ای و آمادگی برای مشارکت در جامعه جهانی است (Schulz et al., 2018).

یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های بین‌المللی برای سامان‌دهی تربیت شهروندی، استانداردهای شورای ملی مطالعات اجتماعی ایالات متحده (NCSS) است. این استانداردها با تکیه بر ده بُعد کلیدی مانند «فرهنگ»، «نهادهای اجتماعی»، «حکومت و مدنیت»، «ارتباطات جهانی»، «حقوق و مسئولیت‌های مدنی» و سایر حوزه‌های بنیادین، الگوی جامعی برای برنامه‌ریزی درسی و تحلیل محتوای آموزشی فراهم می‌آورند (NCSS, 2021). به همین دلیل، این چارچوب نه تنها در ایالات متحده، بلکه در بسیاری از کشورهای جهان به عنوان مبنای مقایسه تطبیقی در پژوهش‌های بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته است (Misco & Lee, 2014).

تربیت شهروندی در کشورهای با اکثریت مسلمان، همواره با چالش‌هایی دوگانه مواجه بوده است: از یک‌سو، تلاش برای حفظ ارزش‌های اسلامی و سنت‌های فرهنگی از سوی دیگر، پاسخ به الزامات جهانی‌شدن و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای حضور در جامعه جهانی (Merry, 2018). ایران، عراق و اندونزی به عنوان سه کشور با بافت فرهنگی، سیاسی و آموزشی متفاوت، اما با اکثریت مسلمان، نمونه‌های مناسبی برای تحلیل تطبیقی در این زمینه به‌شمار می‌روند. در ایران، پژوهش‌هایی مانند کار حمیدی و سلیمانی (۱۴۰۲) نشان داده‌اند که نظام آموزشی بیش از آن‌که بر مهارت‌های مشارکتی و نگرش‌های شهروندی فعال تأکید کند، بر آموزش‌های نظری و هویتی متمرکز است (Hamidi & Soleimani, 2023). در عراق نیز پژوهش خالد و نوری (۲۰۲۴) ضعف شدید در آموزش تنوع فرهنگی، گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و مفاهیم عدالت اجتماعی را گزارش کرده‌اند (Khalid & Nouri, 2024).

در مقابل، اندونزی به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور اسلامی از نظر جمعیت، از سال ۲۰۱۵ به‌طور جدی در مسیر گنجاندن عناصر شهروندی جهانی در برنامه‌های درسی خود گام برداشته است (Rahmasari et al., 2023). پژوهش وهیونی و همکاران (۲۰۲۵) نیز بیان می‌دارد که در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی اندونزی، مؤلفه‌هایی همچون صلح جهانی، همزیستی مسالمت‌آمیز و تنوع فرهنگی به‌خوبی بازتاب یافته‌اند (Wahyuni et al., 2025).

اهمیت بررسی تطبیقی این سه کشور، از آن‌جا ناشی می‌شود که همزمان اشتراکاتی در هویت اسلامی و تفاوت‌هایی در ساختارهای سیاسی، فرهنگی و آموزشی دارند. در ایران، سیاست‌های متمرکز فرهنگی و هویتی هنوز نقش پررنگی در تدوین محتوا دارند (Yazdani & Norouzi, 2023). در عراق، سال‌ها بحران سیاسی و ساختار ناکارآمد وزارت آموزش، موجب تمرکز بر مفاهیم سنتی

و حذف مؤلفه‌های مدرن شهروندی شده است (Mahmoudi & Al-Mahdavi, 2024). در اندونزی، با وجود چالش‌هایی مانند تنوع زبانی و قومی، تلاش‌هایی برای ادغام ارزش‌های بومی و جهانی مشاهده می‌شود (Suryadi, 2024).

بررسی پیشینه‌های پژوهشی نیز ضرورت این مطالعه را تأیید می‌کند. مطالعه سعید و خیرول (۲۰۲۲) نشان داد که بیشتر کشورهای اسلامی فاقد الگوی جامع برای تربیت شهروندی جهانی هستند (Saeed & Khairul, 2022). پژوهش هاشمی و تبریزی (۱۴۰۲) در مقایسه ایران و ترکیه، ضعف آموزش مهارت‌های شهروندی دیجیتال و مشارکت مدنی را در ایران برجسته ساخت (Hashemi & Tabrizi, 2023). در اندونزی، پژوهش پوترا و هاندایانی (۲۰۲۴) نشان داد که چارچوب‌های جدید شهروندی جهانی تا حدودی به کتاب‌های درسی راه یافته‌اند اما هنوز هم با محدودیت‌هایی مانند نگاه محافظه‌کارانه و فقدان پیوند با عمل اجتماعی مواجه‌اند (Putra & Handayani, 2024).

از منظر نظری نیز، نظریه آموزش تحول‌گرا (Mezirow, 2000) و چارچوب آموزش برای توسعه پایدار یونسکو (UNESCO, 2023) تأکید دارند که تربیت شهروندی باید علاوه بر انتقال مفاهیم، بر تغییر نگرش‌ها و پرورش تفکر انتقادی دانش‌آموزان متمرکز باشد. تحلیل‌های اخیر نیز نشان داده‌اند که چارچوب NCSS در ارزیابی میزان انطباق محتوای آموزشی با اهداف شهروندی فعال، ابزاری قدرتمند است (Ross, 2020). همچنین، پژوهش سیم و پرینت (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که استفاده از چارچوب NCSS در تحلیل تطبیقی می‌تواند ابعاد نادیده‌گرفته‌شده‌ای مانند عدالت اقلیمی، سواد رسانه‌ای و مشارکت جهانی را برجسته سازد (Sim & Print, 2021). در همین زمینه، پژوهش جدید رضانی و پوراحمد (۱۴۰۳) در ایران و زین الدین و وهاب (۲۰۲۴) در اندونزی نشان داده‌اند که اگرچه مفاهیم پایه‌ای مانند قانون، نظم و هویت فرهنگی در هر دو نظام آموزشی پوشش داده شده‌اند، اما مهارت‌های شهروندی مدرن مانند مشارکت دیجیتال، آموزش حقوق بشر و حل تعارض، حضور پررنگی ندارند (Rahmasari et al., 2023; Zainuddin & Wahab, 2024). در عراق، مطالعه حسن و کریم (۲۰۲۵) با تحلیل محتوای کتاب‌های اجتماعی، کمبود شدید آموزش فناوری، ارتباطات جهانی و سواد بین‌فرهنگی را گزارش کرده است (Hassan & Karim, 2025).

علاوه بر این، چارچوب NCSS نه تنها ابزاری برای سنجش محتوای دانشی، بلکه چارچوبی مناسب برای بررسی جنبه‌های نگرشی و مهارتی تربیت شهروندی نیز به شمار می‌رود (Banks, 2023). پژوهش فعلی در نظر دارد با اتکا بر این چارچوب و تحلیل کیفی محتوای کتاب‌های اجتماعی دوره اول متوسطه سه کشور منتخب (ایران، عراق و اندونزی)، به ارزیابی ابعاد تربیت شهروندی از منظر دانشی، نگرشی و مهارتی بپردازد. این ارزیابی به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا درک دقیقی از وضعیت موجود یافته و مسیر اصلاح محتوای درسی را بر مبنای الگوهای جهانی ترسیم کنند.

با توجه به ضعف چشمگیر ادبیات تطبیقی در حوزه آموزش شهروندی در جهان اسلام، پژوهش حاضر می‌تواند به‌عنوان گامی اولیه در جهت توسعه سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر شواهد در آموزش اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. همچنین یافته‌های حاصل از این

مطالعه می‌تواند مبنای طراحی دوره‌های تربیت معلم، تدوین راهنمای برنامه‌درسی و بازنگری در استانداردهای ارزیابی در حوزه علوم اجتماعی باشد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد تحلیل محتوای قیاسی انجام شده است. هدف آن بررسی تطبیقی مؤلفه‌های تربیت شهروندی در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه سه کشور اسلامی ایران، عراق و اندونزی، بر اساس چارچوب نظری استانداردهای شورای ملی مطالعات اجتماعی ایالات متحده (NCSS) می‌باشد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، تحلیلی-توصیفی است و داده‌های آن به صورت اسنادی و از منابع رسمی آموزشی گردآوری شده‌اند.

جامعه پژوهش شامل کلیه کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه (پایه‌های هفتم، هشتم و نهم) در سه کشور مورد بررسی بوده است. نمونه پژوهش نیز به صورت تمام‌شمار انتخاب شده است و تمامی کتاب‌های مصوب و منتشر شده توسط وزارت آموزش و پرورش ایران، وزارت تربیت عراق و وزارت آموزش ملی اندونزی در سال تحصیلی ۲۰۲۴-۲۰۲۵ در تحلیل وارد شده‌اند. کتاب‌های مورد نظر به دو شیوه تهیه شدند:

۱. کتاب‌های درسی ایران به صورت مستقیم از سایت رسمی پایگاه کتب درسی آموزش و پرورش ایران (chap.sch.ir) دانلود شدند.

۲. کتاب‌های درسی عراق با همکاری یکی از اساتید دانشگاه‌های بغداد که به صورت پژوهشی بر کتب اجتماعی کار کرده‌اند، به صورت PDF رسمی تهیه شد. کتاب‌ها به زبان عربی بوده و پس از جمع‌آوری، به کمک مترجم متخصص عربی به فارسی ترجمه شد. ترجمه‌ها در چند مرحله بازبینی و با متن اصلی تطبیق داده شد.

۳. کتاب‌های اندونزی از طریق سایت رسمی وزارت آموزش ملی اندونزی (Kemendikbud.go.id) بارگیری شد. این کتاب‌ها به زبان اندونزیایی بودند. ترجمه اولیه به فارسی با استفاده از نرم‌افزارهای ترجمه ماشینی انجام شد، سپس ترجمه‌ها توسط یک مدرس زبان اندونزیایی با تسلط بر فارسی و مفاهیم علوم اجتماعی، بازبینی و اصلاح شد. به منظور اطمینان از صحت انتقال معنا، نسخه‌های انگلیسی معادل (در صورت وجود) برای تطبیق محتوایی نیز مورد استفاده قرار گرفتند.

واحد تحلیل پژوهش، بخش‌های مختلف کتاب شامل متن درسی، تصاویر، نمودارها، فعالیت‌ها و پرسش‌های پایان هر درس بوده است. چارچوب تحلیل بر مبنای ده مؤلفه اصلی NCSS شامل فرهنگ، تداوم تاریخی، هویت فردی، نهادهای اجتماعی، تعامل با محیط، حکومت و مدنیت، اقتصاد، علم و فناوری، روابط جهانیو مسئولیت‌های مدنی تنظیم شده است.

فرآیند تحلیل به صورت چهار مرحله‌ای انجام شد:

۱. آشنایی کامل با محتوای هر کتاب و استخراج بخش‌های مرتبط؛

۲. کدگذاری داده‌ها با استفاده از فهرست مفاهیم استاندارد NCSS؛

۳. تشخیص سطح بازنمایی هر کد (دانشی، نگرشی، یا مهارتی) بر اساس تحلیل محتوایی مفهومی؛

۴. بازبینی بین‌رزمینه‌ای توسط دو کدگذار مستقل برای اعتبارسنجی تحلیل.

برای سنجش پایایی کدگذاری‌ها از دو کدگذار با سابقه تحلیل محتوای درسی استفاده شد. میزان توافق بین آن‌ها با استفاده از فرمول Holsti محاسبه شد که برابر با 0.83 به دست آمد و نشان‌دهنده توافق مطلوب بین ارزیابان بود. جهت اعتبار درونی تحلیل‌ها نیز، چارچوب نظری NCSS با استفاده از جدول تطبیقی با تعاریف رسمی هر مؤلفه پیاده‌سازی شد و تحلیل‌ها توسط سه نفر از اساتید متخصص در حوزه علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی و مطالعات تطبیقی مورد تأیید قرار گرفتند. تحلیل نهایی در قالب ماتریسی از مؤلفه‌های NCSS $\times$ کشورهای مورد بررسی تنظیم شد.

یافته‌ها

در این بخش، داده‌های حاصل از تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی پایه‌های هفتم، هشتم و نهم در سه کشور ایران، عراق و اندونزی، با استفاده از چارچوب استانداردهای شورای ملی مطالعات اجتماعی (NCSS)، به تفکیک مؤلفه‌ها ارائه شده‌اند. هدف این تحلیل، بررسی میزان پوشش ده مؤلفه کلیدی تربیت شهروندی شامل فرهنگ، زمان و تداوم، نهادهای اجتماعی، روابط جهانی، ارزش‌های مدنی، تعامل با محیط، هویت فردی، علم و فناوری، اقتصاد و حکومت بوده است. در گام نخست، برای هر کشور، فراوانی اشاره به مؤلفه‌های ده‌گانه NCSS در متون کتاب‌های درسی، تصاویر، فعالیت‌های کلاسی و پرسش‌های انتهایی درس استخراج شد. اما در ابتدا برای هر کشور یک نمونه تحلیل شده آورده شده است:

Gambar 4.20
Posyandu,
sebagai salah
satu lembaga
pemberdayaan
masyarakat

Sumber: USAID Indonesia/
Wikimedia Commons/public
domain



شکل ۱. نمونه تصویر کتاب درسی اندونزی صفحه ۲۵۸ اجتماعی پایه هفتم

جدول ۱. نمونه تحلیل کدگذاری تصویر کتاب درسی اندونزی

نوع واحد تحلیل	نمونه	مؤلفه NCSS	تفسیر
تصویر (Gambar) (۴.۲۰)	Posyandu sebagai lembaga pemberdayaan masyarakat	نهادهای اجتماعی (Individuals, Groups, and Institutions)	نمایش نقش نهاد محلی در ارتقاء سلامت اجتماعی - تأکید بر مشارکت زنان در توسعه جامعه محلی و آموزش تغذیه



صورة تظهر الحياة الاجتماعية في حضارة اليونان

شکل ۲. نمونه تصویر کتاب درسی عراق صفحه ۱۱۵ اجتماعی پایه اول متوسطه

جدول ۲. نمونه تحلیل کدگذاری تصویر کتاب درسی عراق

نوع واحد تحلیل	نمونه	مؤلفه NCSS	تفسیر
تصویر	فعالیت اجتماعی در تمدن یونان با مشارکت بردگان، زنان و کارگران	فرهنگ + (Culture) نهادها اجتماعی + (Institutions) زمان و تداوم (Time, Continuity, and Change) در	این تصویر به انتقال مفاهیم تاریخی تمدن یونان، نقش نهادها و قشرهای مختلف در ساختار اجتماعی مفهوم شهروندی محدود در جوامع با ساختار طبقاتی اشاره دارد. همچنین می تواند برای بحث درباره حقوق بشر و مشارکت اجتماعی در گذشته و مقایسه آن با امروز استفاده شود.



شکل ۳. نمونه تصویر کتاب درسی ایران صفحه ۱۳ اجتماعی کلاس هشتم

جدول ۳. نمونه تحلیل کدگذاری تصویر کتاب درسی ایران

نوع واحد تحلیل	نمونه	مؤلفه NCSS	تفسیر
تصویر و روایت	چهار کودک در حال گفت‌وگو درباره آلودگی زباله و تلاش برای بهبود شرایط شهری	مشارکت مدنی (Civic Ideals and Practices) + مکان، Places, and Environments) + ارزش‌های شهروندی	تصویر نشان می‌دهد که دانش‌آموزان به‌طور مشارکتی برای حل یک مشکل اجتماعی (آلودگی) تلاش می‌کنند. این مسئله دربرگیرنده مفاهیمی چون مسئولیت اجتماعی، کار تیمی، رعایت نظم و حفاظت از محیط‌زیست است. همچنین نشان‌دهنده انتقال مهارت‌های شهروندی از طریق مشارکت عملی است.

نتایج به صورت مقایسه‌ای در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۴. نتایج تحلیل محتوا با صورت مقایسه‌ای

مؤلفه NCSS	ایران	عراق	اندونزی
فرهنگ	۲۶	۳۵	۴۰
زمان و تداوم	۱۸	۳۹	۲۷
نهادهای اجتماعی	۲۱	۳۰	۳۶
روابط جهانی	۸	۱۴	۳۳
ارزش‌های مدنی	۱۷	۲۴	۳۸
تعامل با محیط	۱۳	۴۷	۲۵
هویت فردی	۱۵	۲۷	۳۰
علم، فناوری و جامعه	۱۱	۱۹	۳۵
اقتصاد	۱۲	۲۶	۲۸
حکومت و مدنیت	۲۲	۱۸	۳۷

مجموع	۱۶۳	۲۷۹	۳۲۹
-------	-----	-----	-----

تحلیل جدول بالا نشان می‌دهد که کشور اندونزی در مجموع بیشترین پوشش مفهومی از مؤلفه‌های NCSS را داشته، در حالی که ایران کمترین تنوع و پوشش را داراست. به‌ویژه در مؤلفه‌هایی مانند روابط جهانی، علم و فناوری و حقوق مدنی، اندونزی عملکرد بهتری نسبت به دو کشور دیگر داشته است.

برای درک بهتر از نحوه بازنمایی تربیت شهروندی، محتوای کتاب‌ها در سه سطح دانشی (محتوای اطلاعاتی)، نگرشی (ارزش‌ها و باورها) و مهارتی (قابلیت‌های کنش اجتماعی) تحلیل شد. جدول زیر، درصد فراوانی این سطوح در سه کشور را نشان می‌دهد:

جدول ۵. تحلیل کیفی محتوای دانشی، نگرشی و مهارتی

کشور	بعد دانشی (%)	بعد نگرشی (%)	بعد مهارتی (%)
ایران	۵۲/۹	۳۱	۱۶/۱
عراق	۵۰/۵	۳۰/۹	۱۸/۶
اندونزی	۳۹/۸	۳۲/۷	۲۷/۵

همان‌طور که مشاهده می‌شود، سهم محتوای مهارتی در ایران و عراق بسیار پایین‌تر از اندونزی است. اندونزی از طریق فعالیت‌های مشارکتی، تمرین‌های گفت‌وگو، تحلیل‌های انتقادی و پروژه‌های اجتماعی، سهم بیشتری از تربیت شهروند فعال را محقق ساخته است.

- **ایران:** تمرکز بر هویت ملی، تاریخ اسلام و نظم اجتماعی.
- **عراق:** آموزش مفاهیم سنتی شهروندی، نقش حکومت و نهادها.
- **اندونزی:** آموزش شهروندی جهانی، حقوق بشر، گفت‌وگو، صلح، مشارکت دانش‌آموزی.

۴. تحلیل محتوای تصویری:

- **ایران:** نمونه تصویری مربوط به آموزش مسئولیت اجتماعی (تصویر زباله و کودکان در حال گفت‌وگو).
- **عراق:** تصویر اجتماعی برده‌داری در تمدن باستان، اشاره به ساختار طبقاتی.
- **اندونزی:** تصویر مرکز بهداشت محلی و زنان در حال مشارکت در فعالیت اجتماعی؛ بازنمایی از نهادهای مردمی.

۵. تحلیل فعالیت‌ها و پرسش‌ها:

- **ایران:** پرسش‌هایی غالباً حافظه‌محور، کمتر تحلیلی یا کاربردی.
- **عراق:** پرسش‌ها اغلب تشریحی و فاقد پیوند با زندگی واقعی.
- **اندونزی:** پرسش‌ها با تأکید بر مقایسه، تحلیل، همکاری گروهی و راه‌حل‌یابی اجتماعی.

بحث و نتیجه‌گیری

بر پایه یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که سه کشور ایران، عراق و اندونزی هرکدام با رویکردها، سیاست‌ها و اولویت‌های خاص خود به تربیت شهروندی پرداخته‌اند، اما در میزان انطباق با استانداردهای NCSS تفاوت‌های معناداری میان آن‌ها وجود دارد. مهم‌ترین تفاوت در این میان، تنوع، توازن و عمق پوشش مفاهیم شهروندی است؛ مؤلفه‌هایی مانند مشارکت مدنی، روابط جهانی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر در نظام آموزشی اندونزی بیش از سایر کشورها بازتاب یافته‌اند.

در تحلیل کمی، اندونزی با مجموع امتیاز ۳۲۹، بالاترین پوشش مفهومی را در ده مؤلفه استانداردهای NCSS داشته است، در حالی که ایران با امتیاز ۱۶۳، کمترین سطح پوشش را نشان داده است. این یافته نشان می‌دهد که اندونزی با وجود چالش‌های داخلی، سیاست‌های آموزشی خود را به گونه‌ای طراحی کرده که بتواند دانش‌آموزان را برای زیست در جهانی چندفرهنگی و مشارکتی آماده کند. این در حالی است که ایران همچنان درگیر چارچوب‌های سنتی‌تر بوده و آموزش شهروندی را بیشتر از منظر هویت ملی و آموزش قواعد اجتماعی تعریف می‌کند.

تحلیل کیفی داده‌ها نیز این تفاوت را تقویت می‌کند. اندونزی سهم بالاتری از محتوای مهارتی را به خود اختصاص داده است (۲۷.۵٪)، که نشان از تأکید این کشور بر پرورش کنشگران فعال اجتماعی و توانمندسازی دانش‌آموزان برای مشارکت در جامعه دارد. در مقابل، سهم محتوای مهارتی در ایران (۱۶.۱٪)، پایین‌ترین رقم است که نشان می‌دهد برنامه درسی بیشتر بر انتقال دانش نظری تمرکز دارد تا آموزش مهارت‌های عملی شهروندی.

از نظر تحلیل تصویری و فعالیت‌ها، تفاوت بارزتری دیده می‌شود. اندونزی به صورت ساختاریافته از تصاویر و فعالیت‌هایی استفاده کرده که به مشارکت، تصمیم‌گیری جمعی، صلح و عدالت اجتماعی مربوط است؛ مانند تصویر مشارکت زنان در مرکز بهداشت محلی. در ایران، تصاویر بیشتر به نمادهای تاریخی و مفاهیم نظم اجتماعی محدود شده‌اند و در عراق نیز بیشتر بر ساختار حکومت یا توصیف نظام‌های سنتی متمرکزند. این رویکردها نشان می‌دهد که نظام‌های آموزشی هنوز نسبت به استفاده خلاقانه از ابزارهای بصری و بینافردی برای آموزش شهروندی نوین، فاصله دارند.

یافته‌های این پژوهش همسو با مطالعات پیشین از جمله تحقیق وهیانی و همکاران (۲۰۲۵) در اندونزی و یزدانی و نوروزی (۱۴۰۳) در ایران هستند (Wahyuni et al., 2025; Yazdani & Norouzi, 2023). این دو پژوهش نیز نشان داده‌اند که مؤلفه‌های مشارکتی و جهانی در کتاب‌های درسی اندونزی نسبت به ایران بیشتر و عمیق‌تر هستند. همچنین، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی عراق توسط حسن و کریم (۲۰۲۵) که از عدم پرداخت به فناوری و ارتباطات جهانی حکایت داشت، با داده‌های این پژوهش همخوانی دارد (Hassan & Karim, 2025).

از منظر نظری، نتایج این پژوهش مؤید رویکرد بانکز (۲۰۲۳) در خصوص ضرورت تمرکز همزمان بر ابعاد دانشی، نگرشی و مهارتی در تربیت شهروندی است (Banks, 2023). همچنین، نظریه آموزش تحول‌گرای مزینو (۲۰۰۰) که تأکید دارد آموزش باید به

تغییر در شیوه اندیشیدن و عمل کردن منجر شود (Mezirow, 2000)، در نظام آموزشی اندونزی بیشتر از ایران و عراق عملیاتی شده است.

پیشنهادهای کاربردی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی عبارت است از:

۱. بازنگری محتوای درسی در ایران و عراق: بر اساس چارچوب NCSS، لازم است که کتاب‌های درسی این کشورها با تمرکز بر مؤلفه‌هایی چون «روابط جهانی»، «مشارکت مدنی»، «سواد دیجیتال»، «برابری جنسیتی» و «عدالت اجتماعی» بازطراحی شوند.
 ۲. افزایش محتوای مهارتی: نظام آموزشی باید از آموزش صرف دانستنی‌ها عبور کرده و بر فعالیت‌های مشارکتی، تمرین‌های موقعیتی، کارهای گروهی، پروژه‌های اجتماعی و آموزش عملی حقوق و مسئولیت‌های شهروندی تمرکز بیشتری داشته باشد.
 ۳. تقویت تربیت معلم: معلمان به‌عنوان مجریان اصلی برنامه درسی باید با مؤلفه‌های شهروندی نوین آشنا شده و مهارت‌های تربیت شهروند جهانی را بیاموزند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی بر اساس NCSS توصیه می‌شود.
 ۴. بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ها و فناوری: توسعه رسانه‌های آموزشی دیجیتال برای آموزش مهارت‌های شهروندی مانند تعامل دیجیتال، تفکر انتقادی، گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و حل تعارض ضروری است.
 ۵. تقویت عدالت آموزشی: باید توجه ویژه‌ای به گروه‌های اقلیت، مناطق محروم، دختران دانش‌آموزان با نیازهای خاص شود تا تربیت شهروندی فراگیر و عادلانه باشد.
 ۶. گسترش مطالعات تطبیقی: پژوهش‌های مشابه در مقیاس منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند به کشف الگوهای موفق و اصلاح سیاست‌های آموزشی در کشورهای اسلامی کمک کند.
- در پایان، پژوهش حاضر با تلفیق تحلیل کمی و کیفی محتوای درسی و تمرکز بر سه کشور با اکثریت مسلمان، توانسته است تصویری واقعی، دقیق و قابل اتکا از وضعیت تربیت شهروندی در این کشورها ارائه دهد و گامی مؤثر در مسیر ارتقاء آموزش اجتماعی و دموکراتیک در جهان اسلام بردارد.

خلاصه مبسوط (Extended Abstract)

Introduction

In the rapidly evolving landscape of the twenty-first century, marked by cultural globalization, social complexity, and technological acceleration, the need for comprehensive citizenship education is more critical than ever—particularly within Islamic societies striving to balance traditional values with modern civic expectations (Arthur & Hahn, 2008). Contemporary citizenship education extends beyond legal obedience

to encompass critical thinking, intercultural empathy, social responsibility, media literacy, and active global participation (Schulz et al., 2018). The National Council for the Social Studies (NCSS) in the United States provides a globally recognized framework for evaluating and developing educational content across ten key dimensions of citizenship: culture, time and continuity, social institutions, global connections, civic ideals, environments, identity, science and technology, economics, and governance (NCSS, 2021). This framework has been adopted in comparative education studies around the world (Misco & Lee, 2014).

Islamic countries, including Iran, Iraq, and Indonesia, face a dual challenge: preserving Islamic-cultural identity while equipping students for engagement in a globalized world (Merry, 2018). While Iran has often emphasized ideological and identity-based instruction over participatory civic education (Hamidi & Soleimani, 2023), Iraq suffers from educational fragmentation due to long-standing political crises and institutional instability (Khalid & Nouri, 2024). By contrast, Indonesia has more recently pursued curricular reforms to integrate global citizenship, human rights, and pluralism (Rahmasari et al., 2023; Wahyuni et al., 2025).

Despite these differences, all three nations share Islamic-majority populations and grapple with reconciling tradition and modernity in educational practice (Mahmoudi & Al-Mahdavi, 2024; Suryadi, 2024; Yazdani & Norouzi, 2023). Prior research underscores the lack of cohesive frameworks for global citizenship education in Muslim-majority countries (Saeed & Khairul, 2022) and highlights deficits in digital citizenship and civic participation training, particularly in Iran and Iraq (Hashemi & Tabrizi, 2023; Putra & Handayani, 2024). From a theoretical standpoint, transformative learning theory (Mezirow, 2000) and UNESCO's education-for-sustainable-development model (UNESCO, 2023) both call for education that fosters attitudinal change and critical reflection. Scholars have confirmed that the NCSS framework effectively captures the multifaceted nature of citizenship education, including often-overlooked dimensions such as media literacy, environmental justice, and intercultural dialogue (Ross, 2020; Sim & Print, 2021).

Accordingly, this study adopts the NCSS framework to conduct a comparative analysis of citizenship education in Iran, Iraq, and Indonesia based on their lower secondary social studies textbooks. It evaluates knowledge-based, attitudinal, and skill-based

dimensions, offering insights for educational policy reform and curriculum design in Islamic educational contexts. The study also addresses an important gap in the comparative literature on civic education within the Muslim world, aiming to inform evidence-based reforms, teacher training, and social studies standards.

Methods and Materials

All approved textbooks from the three countries were included. Iranian textbooks were accessed through the official government repository, Iraqi textbooks were obtained in collaboration with Baghdad-based researchers and translated from Arabic to Persian, and Indonesian textbooks were sourced from the Indonesian Ministry of National Education's digital platform and translated from Indonesian through a combination of machine translation and expert review.

The units of analysis included textbook text, images, graphics, lesson activities, and end-of-lesson questions. The analytical framework applied was based on the ten NCSS themes, and each instance of content was coded by theme and further classified by its nature—knowledge, attitude, or skill. Inter-rater reliability was assessed using Holsti's formula, yielding a coefficient of 0.83, indicating strong agreement. Internal validity was supported by expert review and alignment with NCSS definitions. The findings were organized into a matrix comparing all ten components across the three countries.

Findings

The comparative content analysis yielded clear differences in the frequency and distribution of NCSS components across the three nations. In total, Indonesia featured 329 coded references to NCSS themes, followed by Iraq with 279 and Iran with 163. Indonesia showed the most balanced and diverse coverage, particularly excelling in themes such as global connections (33 references), civic ideals (38), and science and technology (35). Iran, in contrast, had limited content on these dimensions, with only 8 references to global connections and 11 to science and technology.

In terms of representation across the three educational dimensions, Iran focused heavily on knowledge-based content (52.9%) with significantly less attention to attitudinal (31%) and skill-based (16.1%) content. Iraq showed a similar pattern, though with a slightly higher emphasis on skills (18.6%). Indonesia, however, demonstrated a more balanced approach, with 39.8% knowledge-based, 32.7% attitudinal, and 27.5% skill-

based content, indicating a stronger focus on student engagement and participatory learning.

Qualitative thematic analysis revealed distinct national orientations. Iran's curriculum emphasized national identity, Islamic history, and social order. Iraq's textbooks centered on traditional definitions of citizenship, governance structures, and national unity. Indonesia's materials promoted global citizenship, peace education, human rights, and student participation. For example, Indonesian textbooks included activities on health education involving community centers, women's empowerment, and environmental sustainability. Iraq presented historical imagery such as class-based societies in ancient Greece, while Iran showed civic responsibility through scenes like children discussing pollution.

The types of textbook activities further confirmed these trends. Iranian activities were mostly memory-based and informational. Iraqi exercises were more descriptive but often disconnected from students' lived experiences. Indonesian textbooks, by contrast, emphasized group work, critical analysis, and practical problem-solving.

Discussion and Conclusion

The findings reveal meaningful disparities in how Iran, Iraq, and Indonesia approach citizenship education through their curricula. Indonesia's implementation of the NCSS framework stands out for its breadth, balance, and forward-thinking emphasis on civic skills and global awareness. With 329 coded instances spanning all ten NCSS components, it demonstrates the most complete integration of both traditional and modern conceptions of citizenship. Iran's limited focus—163 instances concentrated in national identity and theoretical knowledge—reflects a curriculum still shaped by traditionalist and ideological priorities. Iraq falls in between but leans toward conventional paradigms, shaped by institutional instability and limited civic innovation.

Indonesia's strong performance in skill-based and attitudinal domains points to a curriculum designed to produce active, thoughtful, and globally oriented citizens. Its use of participatory exercises and diverse visuals fosters experiential learning and critical reflection, in contrast to Iran and Iraq's largely didactic models. These findings support the broader theoretical claim that transformative learning, as advocated by Mezirow, requires practical engagement and reflection—not just informational transfer. Indonesia's

alignment with this model, along with the inclusion of intercultural and rights-based content, suggests a more mature stage of civic curriculum development.

This study confirms that the NCSS framework is a robust tool for analyzing civic education content across diverse cultural settings. It highlights the need for curricular reform in Iran and Iraq to incorporate components such as global dialogue, social justice, digital citizenship, and environmental stewardship. Educational stakeholders should also consider teacher training, interactive pedagogy, and inclusive design as key factors in cultivating civic competencies among students.

In sum, this comparative analysis offers valuable insights for Muslim-majority societies grappling with the integration of tradition and modernity in civic education. By adopting evidence-based strategies grounded in international standards like NCSS, educational systems in Iran, Iraq, and beyond can foster more participatory, inclusive, and globally engaged citizenries.

منابع

- Arthur, J. A. U. D. I., & Hahn, C. (2008). *The SAGE handbook of education for citizenship and democracy*. SAGE Publications. <https://doi.org/10.4135/9781849200486>
- Banks, J. A. (2023). *Diversity and citizenship education: Global perspectives*. Jossey-Bass.
- Hamidi, M., & Soleimani, F. (2023). Examining Citizenship Education in Iranian Textbooks. *Quarterly Journal of Innovation in Education*, 18(2), 71-90.
- Hashemi, R., & Tabrizi, S. (2023). Comparative analysis of citizenship education in Iranian and Turkish social studies curricula. *Journal of Curriculum Studies*, 55(2), 182-201.
- Hassan, M., & Karim, F. (2025). Challenges of civic education in Iraq: A content analysis. *Middle East Education Review*, 12(1), 45-64.
- Khalid, A., & Nouri, H. (2024). Civic learning in post-conflict Iraq: An exploratory analysis. *Global Citizenship Journal*, 9(1), 34-51.
- Mahmoudi, A., & Al-Mahdavi, Z. (2024). Pathology of Citizenship Education in Iraqi Schools. *Comparative Educational Research*, 12(3), 115-138.
- Merry, M. S. (2018). *Citizenship, identity, and education in Muslim communities*. Palgrave Macmillan.
- Mezirow, J. (2000). *Learning as transformation: Critical perspectives on a theory in progress*. Jossey-Bass.
- Misco, T., & Lee, L. (2014). Citizenship education in Asia and the Pacific. *Compare*, 44(3), 353-376.
- NCSS. (2021). *National Curriculum Standards for Social Studies: A Framework for Teaching, Learning, and Assessment*. NCSS Publications.
- Putra, A., & Handayani, D. (2024). Islam and civic education in Indonesia: Navigating local values and global trends. *Asia Pacific Education Review*, 25(1), 15-32.
- Rahmasari, D., Widodo, W., & Nugroho, A. (2023). Citizenship education reform in Indonesia: A curriculum content analysis. *Journal of Social Science Education* VL - 22(2), 65-82.
- Ross, E. W. (2020). *The social studies curriculum: Purposes, problems, and possibilities*. SUNY Press.
- Saeed, N., & Khairul, A. (2022). Civic education in Islamic countries: A critical review. *Journal of Islamic Educational Studies*, 30(4), 109-125.
- Schulz, W., Ainley, J., Fraillon, J., Losito, B., & Agrusti, G. (2018). *ICCS 2016: International report*. IEA.
- Sim, J., & Print, M. (2021). Citizenship education in Asia: Issues and approaches. *International Journal of Educational Development*, 83, 102385. <https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2021.102385>

- Suryadi, A. (2024). National identity and multiculturalism in Indonesian education. *Journal of Educational Policy*, 39(2), 112-128.
- UNESCO. (2023). *Education for sustainable development: A roadmap*. UNESCO Publishing.
- Wahyuni, E., Nugraheni, R., & Fadilah, N. (2025). Civic engagement and textbook analysis in Indonesian junior secondary schools. *Asia Pacific Journal of Education*, 45(1), 23-40.
- Yazdani, M., & Norouzi, S. (2023). Content Analysis of the Ninth Grade Social Studies Textbook Based on NCSS Standards. *Research in Social Science Education*, 10(1), 45-62.
- Zainuddin, M., & Wahab, A. (2024). Comparative approaches to civic education in Southeast Asia. *Comparative Education Review*, 68(1), 88-106.

Comparative Analysis of Citizenship Education in Three Islamic Countries Based on the National Council for the Social Studies (NCSS) Standards

1. Ghassan Saheb Al-Faleh: PhD Student, Department of Educational Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
2. Negin Jabbari*: Associate Professor, Department of Educational Management, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran. (Email: neginjabbary@gmail.com)
3. Jalal Shante Jabr: Assistant Professor, Department of Educational Management, Dhi Qar Branch, Iraq
4. Mahboobeh Sadat Fadavi: Assistant Professor, Department of Educational Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Abstract

The present study aims to conduct a comparative analysis of citizenship education in three Islamic countries—Iran, Iraq, and Indonesia—based on the framework of the National Council for the Social Studies (NCSS) standards of the United States. This research employed a qualitative approach through content analysis of lower secondary school social studies textbooks (grades 7 to 9) in the three countries. The data included texts, images, activities, and end-of-lesson questions, which were analyzed according to the ten key components of the NCSS framework: culture; time, continuity, and change; social institutions; global connections; civic ideals and practices; people, places, and environments; individual development and identity; science, technology, and society; production, distribution, and consumption; and power, authority, and governance. The findings revealed that Indonesia, with 329 coded items, provided the most comprehensive conceptual coverage of citizenship components, while Iran, with 163 coded items, ranked the lowest. In Iran, there was a greater focus on knowledge-based and identity-related components, whereas in Indonesia, skill-based and attitudinal content was also included in a balanced manner. Iraq, with 279 coded instances, ranked second, primarily emphasizing traditional structures and governmental institutions. Furthermore, the qualitative analysis indicated that Indonesia employed a modern approach in teaching concepts such as global citizenship, social justice, civic engagement, and human rights, whereas Iran and Iraq continued to operate within more traditional paradigms. In conclusion, recommendations were made for revising curricular content, enhancing teacher training, and developing citizenship education programs in Islamic countries. This study can serve as a foundation for policymaking and educational reform in the domain of civic and social education within Muslim societies.

Keywords: Citizenship Education, Social Studies Education, NCSS, Iran, Iraq, Indonesia.